

Original Research

مقاله پژوهشی

بررسی فرآیند مجابی در روایت‌های عامیانه آذربایجانی بر اساس الگوی نشانه-معناشناسی گفتمان

شهلا یعقوبی^{۱*}، علی کریمی فیروزجایی^۲، حمیدرضا شعیری^۳، محمدرضا احمدخانی^۴

۱. مربی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، ایران

۴. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

The Persuasive Process Analysis of Azerbaijani Folklore Narratives Based on Discourse Sign-Semiotics Pattern

Shahla Yaghoobi^{1*}, Ali Karimi Firoozjaee², Hamidreza Shairi³, Mohamadreza Ahmadvani⁴

1. Instructor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Associate Professor of French Language and Literature, Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran

4. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2021/12/25 Accepted: 2022/02/07

10.30473/il.2023.62144.1504

Abstract

Persuasive process is an important and open topic in discourse sign-Semiotics. The article tries to analyze type and frequency of persuasive factors in narrative discourses of Azerbaijan Folklore Narratives based on sign-Semiotics approach and inductive method. The selected narratives are Mahi Siyahe Koochooloo (The Little Red Fish), Kachal Mam Siyah (The Bald Mamsiah), Koroghloo, 24 saat khab o bidari (24 Hours of Sleep and Wake), and Yek Holoo Hezar Holoo (One Peach, One Thousand Peaches) narratives. In these narratives persuasive factors like reasoning, planning, building trust, caution, promise, etc. are used considering the situation and the addressee. From 145 persuasive processes and 24 types of persuasive factors, caution, threat, incitement, reasoning, promise, and rodomontade have the highest frequencies. 1/4 of persuasive factors belong to caution and threat but the rate of success in these two factors is not the same. Bribery, hesitation, compliment, flattery, curse, emphasis and playing to be oppressed were just in one case. The analysis showed that the exhort and frightening of doing outcomes is the dominant style in Azerbaijan Folklore Narratives. There is the highest percentage of persuasion failure in Mahi Siyahe Koochooloo narrative because of the insistence of the doer on the realization of his goal. There is the highest level of persuasion success in Kachal Mam Siyah and Koroghloo because of the power relationship.

Keywords: Sign-Semiotics, Action Discourse, Persuasion, Narrative Discourse..

چکیده

فرآیند مجاب‌سازی از زیرشاخه‌های بسیار مهم و باز در حوزه نشانه‌معناشناسی گفتمان است. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد با رویکرد نشانه-معناشناختی و با استفاده از روش استقرایی به مسئله‌ی اصلی این پژوهش که بررسی نوع، میزان و بسامد استفاده از عوامل مجاب‌سازی در گفتمان روایی روایت‌های عامیانه‌ی آذربایجان است، بپردازد. روایت‌های منتخب این مقاله شامل روایت‌های ماهی‌سیاه کوچولو، کچل‌مهم‌سیاه، کوراوغلو، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری و روایت یک هلو هزار هلو می‌شود. یافته‌ها بیانگر آن است که در این روایت‌ها عوامل مجاب‌سازی گوناگونی مثل استدلال، تدبیر، اعتمادسازی، تحذیر، وعده و نظایر آن، بسته به شرایط و مخاطب بکار رفته است. مشخص گردید که از ۱۴۵ فرآیند مجاب‌سازی و ۲۴ نوع عامل مجاب‌سازی بررسی‌شده در پنج روایت عامیانه‌ی آذربایجانی، به ترتیب تحذیر، تهدید، تحریک، استدلال، وعده و رجزخوانی بالاترین بسامدها را داشته‌اند؛ به طوریکه در مجموع، حدود یک چهارم کل مجاب‌سازی‌ها از دو سبک تحذیر و تهدید بوده است. اما میزان موفقیت همین دو عامل نیز در مجاب‌سازی به یک اندازه نبوده است. این در حالی است که برخی از عوامل مجاب‌سازی مثل رشوه، ایجاد تردید، تعارف، چاپلوسی، نفرین، تاکید و مظلوم‌نمایی فقط در یک مورد مشاهده شدند. این نشان می‌دهد که به نوعی برحذر داشتن و ترساندن از عواقب کار، سبک غالب روایت‌های عامیانه آذربایجانی مورد بررسی است، هر چند که تنها در حدود ۵۵ درصد موارد منجر به مجاب مخاطب شده‌اند. همچنین از میان روایت‌های منتخب، ماهی سیاه کوچولو بالاترین درصد عدم موفقیت در مجاب‌سازی را داشته است. زیرا کنش‌گر اصلی که ماهی است بسیار مصر بر رسیدن به خواسته‌ش است و هیچ‌کس نمی‌تواند او را مجاب به دست‌کشیدن از خواسته‌ش بکند. در حالیکه در دو داستان کوراوغلو و کچل‌مهم‌سیاه که رابطه قدرت در میان است، مجاب‌سازی بالاترین حد موفقیت را داشته است.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌معناشناسی، کنشی، مجاب‌سازی، گفتمان روایی.

*Corresponding Author: Shahla Yaghoobi

Email: yaghoobi.shahla@gmail.com

* نویسنده مسئول: شهلا یعقوبی

مقدمه

روایت، توالی وقایع است (تولان^۱، ۱۳۸۶، ۱۶). از این منظر بسیاری از وقایع را می‌توان روایت در نظر گرفت. اما افراد مختلف با پیشینه و دانش متفاوت این کار را به شیوه‌های متنوعی انجام می‌دهند. روایت‌های عامیانه، انعکاس مستقیم و بی‌واسطه‌ای از تجربه‌های گذشته بشر در مسیر کشف خود و دنیای پیرامونش و همچنین بازتابی از باورها، جهان‌بینی، عقاید، ارزش‌ها، شرایط زندگی، فرهنگ و سنت‌های حاکم بر جامعه آن روز هستند. از این‌رو، مطالعه و تحلیل نظام‌های گفتمانی این روایت‌ها، برای دستیابی به اندیشه‌ها و سبک‌های غالب نهفته در آن جوامع و شناخت بهتر آن‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. سوالی که این پژوهش بر اساس الگوی نشانه‌معناشناسی^۲ به دنبال پاسخ به آن است، چستی فرآیند مجابی در نظام گفتمانی کنشی^۳ نشانه-معناشناسی گفتمان روایی^۴، نوع، بسامد و میزان موفقیت این فرآیند در پنج روایت عامیانه‌ی آذربایجانی است.

در واقع هدف از انجام این تحقیق بررسی وجود یا عدم وجود عوامل مجاب‌سازی^۵، چگونگی کاربرد آن‌ها، فرآیند مجاب‌سازی غالب و میزان موفقیت یا عدم موفقیت مجاب‌سازی در گفتمان روایی داستان‌های منتخب با نگاه نشانه‌معناشناسی است. مجاب‌سازی یکی از زیرشاخه‌های مهم در حوزه نشانه‌معناشناسی است، ولی تا کنون هیچ پژوهشی به شکل اختصاصی، منسجم و مرتبط کاربرد فرآیند مجاب‌سازی در روایت‌ها را مورد بررسی قرار نداده است. لذا از این منظر می‌توان این امر را به‌عنوان نوآوری این پژوهش در نظر گرفت. برای انجام این پژوهش، از روش استقرایی بهره گرفته شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

با گذر زمان و مطالعه و پژوهش در حوزه‌ی نشانه، زمینه برای گذر از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه‌معناشناسی گفتمانی فراهم شد. در میان تمام محققین صاحب‌نام در این حوزه، آراء گرمس (۱۹۱۷-۱۹۹۲) مؤثرتر از بقیه است. دو کتاب معناشناسی ساخت‌گرا (۱۹۶۶) و درباره‌ی معنا (۱۹۷۰) از معروف‌ترین آثار وی در زمینه‌ی معناشناسی روایت هستند

(عباسی، ۱۳۸۰: ۱۱). گرمس و فونتتی در سال ۱۹۹۱، با بیان یک طرح‌واره از عاطفه، نشانه‌معناشناسی عواطف را معرفی کردند (فونتتی ۲۰۰۴: ۲۲). در زمینه بررسی ادبیات روایی زبان فارسی بر اساس مباحث نشانه‌معناشناسی آثار مختلفی وجود دارد. از محققین شاخص این حوزه می‌توان به شعیری (۱۳۸۱؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵)، عباسی (۱۳۹۱) و بابک‌معین (۱۳۹۴) اشاره کرد. افرادی دیگری نیز با الگو قراردادن نظریه نشانه-معناشناسی تحقیقات قابل‌ذکری انجام داده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

جهانی (۱۳۸۸) بر اساس رویکرد نشانه‌معناشناسی به تحلیل داستان کوتاه داش‌آکل پرداخته است. وی نشان می‌دهد که روایت‌ها می‌توانند بر اساس دخالت شرایط عاطفی و مرامی تغییر کنند و محوریت خود را از دست بدهند. دهقانی (۱۳۹۰) به بررسی ساختار روایی حکایت‌های کشف‌المحجوب هجویری بر اساس الگوی نشانه‌شناسی روایی گرمس و چرخش‌ها و انعطاف‌پذیری این الگو در حکایت‌های صوفیانه پرداخته است.

بهنام (۱۳۹۰) دو نظام روایی و گفتمانی داستان رستم و اسفندیار را با استفاده از رویکرد نشانه‌معناشناسی تحلیل کرده‌است. اطهاری (۱۳۹۳) زمان و شاخص‌های زمانی را در ضرب‌المثل‌های فارسی و به صورت کلی بر اساس رویکرد نشانه‌معناشناسی تحلیل نمود. همچنین ثواب و همکاران (۱۳۹۴) ویژگی‌های نشانه‌معناشناختی و راهکارهای تولید معنا را در روایت خسرو و شیرین نظامی بر پایه‌ی نظریه معناشناسانه گرمس بررسی کرده و نشان داده‌اند که چگونه نیروی حسی عاطفی با تأثیر بر عامل معنایی باعث تولید معنا می‌شود. پارسا و رحیمی (۱۳۹۶) به بررسی نشانه‌معناشناختی داستان *لیلی و مجنون* جامی پرداخته‌اند. توحیدلو و شعیری (۱۳۹۶) با الهام از رویکرد نشانه‌معناشناسی به بررسی پروتوزسازی گفتمانی پرداخته‌اند و به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که چرا دروغ روایی پروتز است. کرباسی و همکاران (۱۳۹۶) از منظر نشانه-معناشناسی به بررسی تحقق سره و ناسره در روایت عامیانه‌ی *سزای نیکی بدی* است پرداخته‌اند.

سجادی‌نسب (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌معناشناسی روایی به بررسی تعامل نظام‌های گفتمانی در روایت سیندرلا اثر شارل پرو می‌پردازد و نشان می‌دهد فضای ارزشی این روایت بر اساس وضعیتی ساخته می‌شود که نه کاملاً کنشی تجویزی و شناخت‌محور است و نه کاملاً حسی-ادراکی و تنش‌محور؛ بلکه چالش ارزشی بر مبنای

1. Toolan
2. Sign-Semiotics
3. Action Discourse
4. Narrative Discourse
5. Prescriptive Discourse

جملات و یا واژگان پیرنگ این داستان را با مشکل روبرو کرده است. افراد مختلفی از جمله ولی‌پور و همی (۱۳۹۶)، عبدالله‌زاده و ریحانی (۱۳۹۸) و مقدم و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی داستان ماهی سیاه کوچولو پرداخته‌اند. در خارج از ایران نیز با استفاده از رویکرد نشانه-معناشناختی بررسی‌های متعددی انجام گرفته است. اما از آنجا که هدف این مقاله بررسی روایت‌های عامیانه‌ی آذربایجان است و نه آثار خارج از ایران، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود.

چارچوب نظری

یکی از روش‌های نوین تجزیه و تحلیل آثار ادبی، به‌ویژه روایت‌ها، الگوی تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمانی است که در این مقاله به عنوان الگویی مناسب در تحلیل روایت‌های عامیانه‌ی آذربایجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نشانه-معناشناسی گفتمانی، به نظام‌های گفتمانی در کلیتشان توجه دارد و تلاش می‌کند نظام‌های گفتمانی را تجزیه و تحلیل نماید و آنگاه، با دستیابی به واحدهای معنایی و واحدهای تمایزدهنده در سطح کلان، بین این عناصر رابطه برقرار کند و در نهایت از این رابطه معنا را دریابد (کریمی فیروزجایی، ۱۳۹۶). در دیدگاه نشانه-معناشناختی گفتمانی، دیگر زبان بر رابطهٔ بین دال و مدلول مبتنی نیست؛ بلکه رابطه‌ای بین دو سطح بیان و محتوا در زبان شکل می‌گیرد که بر اساس آن مرزهای معنایی پیوسته از طریق کنش‌گر گفتمانی مورد بازنگری قرار می‌گیرد و همواره دارای قابلیت جابه‌جایی است. به عبارت دیگر، دو سطح زبانی فرصتی هستند تا به واسطه‌ی آن‌ها کنش‌گر گفتمانی به موضع‌گیری بپردازد و از طریق زاویهٔ دید خود به معناسازی دست بزند (شعیری، ۱۳۸۸). هر نشانه در تعامل، چالش، تبانی، پذیرش، طرد، تناقض، تقابل، همگرایی، واگرایی، همسویی، دگرسویی، همگونی و دگرگونی با نشانه‌های دیگر، حرکتی فرایندی را رقم می‌زند که این حرکت خود راهی به سوی تولید معنا می‌باشد. (شعیری، ۱۳۹۲: ۱-۲).

گفتمان‌ها را می‌توان به انواع متفاوتی دسته‌بندی کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: گفتمان کنشی^۱، شوشی^۲، تنشی^۳ و بوشی^۴ (شعیری، ۱۳۹۸: ۱۴). تمرکز این مقاله بر روی نظام

تعامل این نظام‌ها و چرخش بین شناخت و ادراک شکل می‌گیرد. پراندوجی و نصیحت (۱۳۹۷) به بررسی ماجرای ایمان آوردن ملکه‌ی سبا بر اساس رویکرد نشانه‌معناشناسی پرداخته‌اند. شیری و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از رویکرد نشانه‌معناشناسی به تحلیل کارکرد گفتمانی طنز در باب اول گلستان سعدی پرداخته‌اند تا به الگوهای حاکم بر فرآیندهای معنایی کنشی و تنشی دست یابند و تأثیر جریان زیبایی‌شناختی را بر این دو فرآیند نشان دهند.

فلاح و شفیعی‌پور (۱۳۹۸) روایت موسی و سامری را بر پایه‌ی نشانه‌معناشناسی گفتمانی تحلیل کرده‌اند. کنعانی (۱۳۹۸) به تحلیل نشانه‌معناشناختی کارکرد گفتمانی مقاومت اسطوره‌ای در داستان سیاوش پرداخته‌است. تحقیق در حول نظریه نشانه‌معناشناسی ادامه دارد و دادبود و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به تحلیل نشانه‌معناشناسی فرآیند داستان‌سرایی هزار و یک شب پرداخته‌اند. هاشمی و همکاران (۱۳۹۹) گفتمان تنهایی در غزلیات حافظ و آفاناسی یویچ با رویکرد نشانه‌معناشناسی را بررسی کرده‌اند.

با بررسی‌های انجام یافته در مورد روایت‌های عامیانه‌ی آذربایجانی مشخص شد آثار اندکی در زبان فارسی به تحلیل این روایت‌ها پرداخته‌اند. نقابی و پورآسیاب (۱۳۹۷) به بررسی طرح‌شناختی افسانه‌های آذربایجان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بخش آغازین و پایانی این افسانه‌ها دارای جملات قالبی و متناسب با موضوع و محتوای افسانه‌ها است. از بین داستان‌های منتخب این پژوهش روایت کور/غلو اگر چه به زبان ترکی است، اما گستره‌ی جغرافیایی و قومی بسیار وسیعی را دربرمی‌گیرد و تحقیقاتی بر روی آن انجام شده‌است. احمدی ملکی (۱۳۷۶) همراه با بیان خلاصه‌ای از داستان، به ذکر پاره‌ای از مسایل و مقولات متفاوت اسطوره‌ای، حماسی و افسانه‌ای در داستان کور/غلو می‌پردازد. فخری (۱۳۹۵) کوشیده است با روش اسنادی ضمن معرفی و تبیین جایگاه این حماسه در فرهنگ اقوام و ملت‌های گوناگون، سه روایت آذربایجانی، ترکمنی و ترکیه‌ای این حماسه را با ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌ها بررسی نماید. در این راستا، رسمی و رسمی (۱۳۹۵) به بررسی تطبیقی نقش اسطوره‌ای آب در داستان کور/غلو با شاهنامه‌ی فردوسی و روایت‌های شفاهی آن پرداخته‌اند. جهانگیر میرزاحسابی و عباسی (۱۳۸۶) به بررسی کارکرد روایت یک هلو هزار هلو پرداخته‌اند. آن‌ها سعی کرده‌اند پیرنگ داستان را مشخص کنند و متوجه شدند که ناهمانگی

1. Action Discourse
2. Stative Discourse
3. Tension Discourse
4. Existential Discourse

یک هلو هزار هلو، روایت کچل مسم‌سیاه و روایت کوراوغلو می‌باشد.

ابتدا تمام عوامل مجاب‌سازی در پنج روایت منتخب استخراج شدند. در هر مورد نوع مجاب‌سازی، نمونه استخراج شده، مجاب‌کننده، مجاب‌شونده و نتیجه‌ی مجاب‌سازی نیز مشخص شدند و در جداول مجزا ثبت گردیدند. سپس بسامد هر نوع مجاب‌سازی و میزان موفقیت مجاب‌سازی هر داستان محاسبه گردید و در بخش آخر مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحلیل

در این بخش یافته‌های به دست‌آمده از تحلیل روایت‌ها به تفکیک ذکر می‌شوند. از آن‌جا که فضای مقاله برای ذکر همه‌ی مجاب‌سازی‌های استخراج شده از هر پنج روایت کافی نیست، در ادامه تنها به نمونه‌ای از هر کدام از انواع مجاب‌سازی‌ها بسنده خواهد شد.

روایت ماهی سیاه کوچولو

در این روایت، کنش‌گر اصلی ماهی کوچک سیاهی است که در ابتدای روایت از نظر روحی و روانی در وضعیت نقصان و بحران قرار گرفته است و در نتیجه سوژه‌ی حالتی (عامل شوشی) به‌شمار می‌رود. او به‌دلیل محیط محدود و بسته زندگی خود که جویباری کوچک است دچار کسالت، رخوت و بی‌تأملی نسبت به همه چیز شده است و برای تغییر این موقعیت تثبیت شده و تکراری وارد فرآیند کنشی چالشی می‌شود و جویبار را به قصد دریا ترک می‌کند. در ابتدای روایت، فرآیندهای گفتمانی پیرامون ماهی کوچولو تعاملی است؛ یعنی در ابتداء برای انجام خواسته‌ش با دیگران وارد گفتگو می‌شود؛ ولی وقتی اطرافیان در مقابل تصمیم او برای ترک جویبار و رسیدن به ابژه ارزشی مطلوبش که رهایی، آگاهی، رسیدن به دریا و در نهایت شناخت دنیاست، مقاومت می‌کنند او نیز وارد فرآیند تقابلی می‌شود. در واقع ما در این روایت، شاهد کارکرد مقاومتی-ممارستی فرآیند مجاب‌سازی هستیم. بدین‌معنا که کنش‌گر برای تحقق هدفش در مقابل همه موانع و مشکلات مقاومت و پافشاری می‌کند و هرگز هیچ مانعی او را از ادامه مسیرش دل‌سرد و ناامید نمی‌کند تا اینکه نظام عبور جاری می‌شود و او موفق به تحقق هدف نهایی و تصاحب ابژه ارزشی که رسیدن به دریاست، می‌شود. در واقع، وضعیت اولیه و تثبیت‌شده خود را تغییر می‌دهد و از آن عبور می‌کند. در مسیر سفر خود بسته به شرایط و روحیات

گفتمانی کنشی است. هر گفتمان روایی دارای هسته مرکزی است که می‌توان آن را کنش نامید. در نظام روایی گفتمانی کنشی، دو نظام گفتمانی حائز اهمیت هستند: نظام گفتمانی کنشی تجویزی^۱ و نظام گفتمانی کنشی القایی یا مجابی^۲ (همان: ۲۴ و ۳۰). نظام گفتمانی کنشی تجویزی گفتمانی است که هدف آن تغییر وضعیت اولیه یا نابسامان به وضعیتی ثانوی یا سامان‌یافته است. بر این اساس گفتمان ما را با کنش‌گزاری مواجه می‌سازد که در موقعیتی برتر نسبت به کنش‌گر قرار دارد و می‌تواند در راستای تحقق کنش او را به کنشی وادار سازد. در مقابل، در نظام گفتمانی کنشی القایی یا مجابی، رابطه موازی و افقی است. در این حالت، به‌جای داشتن یک کنش‌گزار و یک کنش‌گر، دو کنش‌گر داریم که هر دو از یک موقعیت برخوردارند و نسبت به هم هیچ برتری موقعیتی ندارند. بنابراین بین آن‌ها رابطه تعاملی برقرار است و آنچه که تعیین‌کننده است، قدرت مجاب‌سازی یا القاست. یعنی باید یکی بتواند دیگری را قانع کند که بپذیرد کنشی را انجام دهد (همان).

از آن جایی که رشته نشانه‌معناشناسی بسیار گسترده است، در این مقاله تنها به بررسی نظام گفتمانی کنشی القایی یا مجابی در داستان‌های عامیانه‌ی آذربایجان پرداخته خواهد شد. در میان انواع مختلف ادبیات فولکلوریک، افسانه‌های آذربایجان جزء افسانه‌های کهن، زیبا و پرمحتوایی است که تصاویر روشنی از جهان‌بینی، طرز تفکر، خصوصیات ملی، آداب و رسوم و معیشت مردم آذربایجان در اعصار مختلف تاریخ ارائه می‌دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی محتوا می‌باشد. داده‌های مورد تحلیل در این پژوهش شامل بر پنج روایت عامیانه‌ی آذربایجانی است، اطلاعات لازم به روش مطالعه کتابخانه‌ای و با جمع‌آوری کتاب‌ها و روایت‌های موجود آذربایجانی و در نهایت انتخاب از بین منابع موجود و گردآوری شدند و از روش استقرایی برای تحلیل روایت‌ها استفاده شد. موضوع این پژوهش بررسی فرآیند مجابی در نظام کنشی روایی روایت‌های عامیانه‌ی آذربایجانی با رویکرد نشانه‌معناشناسی است. داستان‌های منتخب این مقاله شامل ماهی سیاه کوچولو، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، روایت

1. prescriptive discourse
2. Persuasive/ manipulative discourse

برای اینکه به مادر اطمینان خاطر دهد که خودش دارای استقلال کامل و قدرت تصمیم‌گیری است از این عامل مجابی کمک می‌گیرد:

«ممکن است فکر کنی که یک کسی این حرف‌ها را به ماهی کوچولو یاد داده، اما بدان که من خودم خیلی وقت است در این فکرم.»

۶ فرآیند مجاب‌سازی تحقیر: یکی دیگر از عوامل مجابی تحقیر و توهین است، که در شرایطی رخ می‌دهد که فرآیند تعاملی جای خود را به گفتمان تقابلی-تناقضی می‌دهد. در واقع کنش‌گزار با این ترفند سرکوب‌گرانه سعی در متقاعدسازی منفی کنش‌گر دارد. ماهی بزرگ که رئیس ماهی‌هاست با استفاده از این شیوه سعی در بی‌اهمیت جلوه دادن هدف کنش‌گر و تضعیف اعتماد به نفس او دارد:

ماهی بزرگ به ماهی کوچولو: «تو از کی تا حالا عالم و فیلسوف شده‌ای ما را خبر نکرده‌ای؟!»

۷ فرآیند مجاب‌سازی عاطفی/مظلوم‌نمایی: وقتی کنش‌گر یا کنش‌گزار از گفتمان تقابلی و تعاملی پاسخی نمی‌گیرد سعی می‌کند با استفاده از کارکرد عاطفی فرآیند مجاب‌سازی مخاطب خود را متقاعد کند:

«مادر به ماهی‌های دیگر: من هیچ فکر نمی‌کردم بچه‌ی یکی یک دانه‌ام اینطوری از آب دربیاید. نمی‌دانم کدام بدجنسی زیر پای بچه‌ی نازنینم نشسته!»

۸ فرآیند مجاب‌سازی رجزخوانی و تهدید: رئیس ماهی‌ها و ماهی‌های دیگر برای منصرف کردن ماهی کوچولو از تصمیم قطعی‌اش او را تهدید می‌کنند:

«رئیس ماهی‌ها: خیال کرده‌ای به تو رحم می‌کنیم؟!»

ماهی دیگر: یک گوشمالی کوچک می‌خواهد!»

۹ فرآیند مجاب‌سازی تهدید: ماهی‌ها تصمیم می‌گیرند تا در صورت عدم پذیرش خواسته‌شان، او را مجازات کنند.

«تا کارش به جاهای باریک نکشیده، بفرستیمش پیش حلزون پیره!»

۱۰ فرآیند مجاب‌سازی هشدار: ماهی‌ریزها برای اینکه ماهی‌سیاه کوچولو را از ادامه مسیرش منع کنند به او خطرات و مشکلات رودرو را متذکر می‌شوند:

«هیچ می‌دانی که مرغ سقا نشسته سر راه؟! این را هم می‌دانی که مرغ سقا چه کیسه‌ی گل و گشادی دارد؟!»

روایت کچل‌م‌سیاه

در این روایت، ما با کنش‌گزاری مواجه هستیم که نان‌آور

کنش‌گران دیگر از فرآیندهای متفاوت مجاب‌سازی استفاده می‌کند. بطور مثال، وقتی در کیسه مرغ ماهی‌خوار به دام می‌افتد با تمارض به مردن در حقیقت از فرآیند مجاب‌سازی «فریب» استفاده می‌کند تا از مرگ نجات پیدا کند:

«برای رهایی از چنگال مرغ ماهیخوار خود را ماهی سمی معرفی می‌کند و با تمارض به مردن از دهان مرغ ماهی‌خوار بیرون می‌جهد.»

و یا اینکه در قسمتی از روایت، برای اینکه بتواند ماهی کوچولوی دیگری را که در شکم مرغ ماهیخوار گیر افتاده از چنگال مرگ نجات دهد از عامل مجابی «تدبیر» استفاده می‌کند:

«من شروع می‌کنم به وول خوردن و این ور و آن ور رفتن، که ماهیخوار قلقلکش بشود و همین که دهانش باز شد و شروع کرد به قاه قاه خندیدن، تو بیرون بپر.»

به دلیل محدود بودن فضای مقاله در قسمت ذیل به ذکر تعدادی از دال‌های مجابی همراه با مدلولهای آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. فرآیند مجابی پیشنهاد: مادر به‌دنبال ارائه یک راهکار و جایگزین برای طفره رفتن و پرت کردن تمرکز کنش‌گر بر روی هدفش است:

«بهتر نیست برویم گردش؟!»

۲. فرآیند مجاب‌سازی استدلال: ماهی‌سیاه کوچولو که ناراضیتی مادر را می‌بیند برای نکشاندن فرآیند تعاملی به تقابلی سعی می‌کند با آوردن دلیل و منطق مادر را متقاعد و مجاب بکند که با او موافقت بکند:

«نه مادر، من دیگر نمی‌توانم گردش بروم. باید از اینجا بروم! من دیگر نمی‌توانم از گردش‌های تکراری لذت ببرم. می‌خواهم ببینم ته جویبار کجاست؟! می‌خواهم دریا را ببینم.»

۳. فرآیند مجاب‌سازی ایجاد تردید: مادر با استفاده از فرآیند شبهه و تردید و با بهره‌گیری از کارکرد عاطفی فرآیند مجاب‌سازی سعی در منصرف کردن او دارد:

«حتما باید بروی؟!»

۴. فرآیند مجاب‌سازی تاکید: کنش‌گر برای نشان دادن قاطعیت خود از جملات تاکیدی استفاده می‌کند تا تعامل مسالمت‌آمیز پایان یابد:

«ماهی‌سیاه کوچولو: باید بروم. من ماه‌هاست در این فکرم.»

۵. فرآیند مجابی اعتمادسازی: ماهی‌سیاه کوچولو

خانواده است و برای تامین معاش خود و ننه پیرش وارد فرآیند کنشی می‌شود. در این روایت کنش‌گران و کنش‌گزاران دیگری نیز هستند که برای رسیدن به ابژه ارزشی مطلوب و تحقق هدفشان وارد تعاملات اجتماعی زیادی می‌شوند و در این راستا فرایندهای مجابی متعددی بسته به شرایط، شخصیت مجاب‌کننده و مجاب‌شونده اتفاق می‌افتد.

در قسمت اول روایت، مادر برای اینکه بتواند کچل‌م‌سیاه را مجبور به کار کردن بکند، هم‌بعنوان کنش‌گر و هم‌بعنوان کنش‌گزار وارد فرآیند کنشی‌گفتمانی می‌شود تا فرآیند معناسازی محقق گردد. او از فرآیند مجاب‌سازی بجای تقابل برای متقاعد کردن پسرش بهره می‌جوید. او با استفاده از کارکرد عاطفی فرآیند مجاب‌سازی، تفنگی را که از پدر کنش‌گر، کچل‌م‌سیاه، به ارث مانده به او می‌دهد و به او خاطر نشان می‌کند که تنها یادگاری ارزشمند بجا مانده از پدرش است که باید خوب از آن استفاده کند. بدین ترتیب، کنش‌گر قبل از اینکه به‌عنوان یک کنش‌گر وارد فرآیند چالشی شود، به‌عنوان یک عامل شوشی وارد فرآیند گفتمانی می‌شود که از فقدان پدر، مسئولیتی که به گردن اوست و نیز فقر رنج می‌برد. در این روایت، زنجیره‌های کنشی متفاوتی وجود دارند که در هر کدام کنش‌گر، کنش‌گزار، کنش‌یار و ضدکنش‌گرهایی وارد فرآیند کنشی چالشی می‌شوند. در تمام گفتمان‌ها، کچل به‌عنوان کنش‌گر اصلی از کارکرد مقاومتی-مارستی فرآیند مجاب‌سازی بهره می‌گیرد و سعی می‌کند با ممارست در مقابل مشکلات به تحقق هدف برسد. کچل در مقابل کنش‌گزار اصلی که پادشاه و دارای موقعیت برتر و موضع قدرت است، با استفاده از کارکرد مماشاتی فرآیند مجاب‌سازی، فرایندهای چالشی-کنشی خود را جلو می‌برد. در ابتداء روایت، مادر به‌عنوان کنش‌گر و کنش‌گزار وارد فرآیند گفتمانی می‌شود و با استفاده از عامل مجابی «تهدید» او را مجاب و متقاعد می‌کند که باید با تفنگ پدرش به شکار برود و نباید دست خالی به خانه برگردد: «تا نان به دست نیاری در به رویت وا نمی‌کنم». نتیجه به‌کارگیری عامل مجابی تهدید، رسیدن کنش‌گزار به هدف اصلی خود یعنی شکار جانوری همراه با نور و ساز و آهنگ توسط کنش‌گر است.

در قسمت بعدی روایت، ضدکنش‌گری وارد فرآیند کنشی می‌گردد. او پیرزن فضول همسایه است که نزد پادشاه می‌رود و شکار کچل‌م‌سیاه را با آب‌وتاب به پادشاه سخن‌چینی می‌کند. او با بهره‌گیری از عامل مجابی «تحریک» موفق می‌شود که پادشاه را برای گرفتن شکار از کچل‌م‌سیاه به

وجد آورد و در نهایت نیز موفق می‌گردد:

«ای پادشاه! چه نشسته‌ای که کچل‌م‌سیاه در همان شکار اولش جانوری شکار کرده که از یک طرفش نور می‌پاشد و از طرف دیگرش صدای ساز و آواز بلند است. حیف است چنین جانوری که لایق چون تو پادشاهی است بیفتد دست چنان کچلی!»

در این بخش از داستان از طرف پادشاه به کچل‌م‌سیاه دستور داده می‌شود که شکار را تقدیم او بکند. در اینجا، پادشاه کنش‌گزاری است که در مقام قدرتی و موقعیتی بسیار بالاتری قرار دارد و در واقع، فرآیند کنشی تجویزی است تا کنشی‌القایی. اما علاوه بر دستور و تجویز ما شاهد به‌کارگیری فرآیند مجابی «تشویق» از سمت مجاب‌کننده یعنی پادشاه، نیز هستیم؛ زیرا بعد از تسلیم کردن شکار، پادشاه می‌خواهد که انعامی هم به‌رسم تشویق به کچل بدهد: پادشاه هر قدر فکر کرد که چه انعامی به کچل بدهد عقلش به جایی نرسید. آخر سر چشمش افتاد به وزیر و بلند گفت: «... هان! پیدا کردم.» وزیر گفت «قبله عالم به سلامت! بفرمایید چه چیزی را پیدا کردید که من مراقب آن باشم دوباره گم نشود؟» پادشاه گفت «وزیر! زود وزیری‌ات را بده به کچل. ما انعام دیگری نداریم به او بدهیم.»

در پاسخ به دستور پادشاه، وزیر چون در مقام و موقعیت پایین‌تری است و نمی‌تواند از باب تقابل و سرپیچی برآید، با استفاده از عامل مجاب‌سازی «تدبیر و وعده» به پادشاه می‌گوید: «قبله عالم به سلامت! امروز نه. فردا بیاید تحویل بگیرد.» و به این ترتیب برای اندیشیدن چاره برای خود زمان می‌خرد.

به دلیل محدودیت مقاله فقط به نمونه‌هایی از عوامل مجابی استفاده شده در روایت اشاره می‌گردد.

نمونه‌هایی از عوامل مجابی به‌کاررفته در روایت کچل‌م‌سیاه:

۱. فرآیند مجاب‌سازی تدبیر و تشویق: وزیر هر گاه که در کاری ناچار می‌ماند، با باباکلاه که مشاورش هست مشورت می‌کند. در نتیجه این فرآیند، وزیر مجاب می‌شود که پیشنهاد باباکلاه را عملی کند:

باباکلاه: «ای وزیر اعظم ککت هم نگزد! فردا برو پیش پادشاه بگو کچل‌م‌سیاه را بفرستد برایش شیر چهل مادیان بیاورد.»

۲. فرآیند مجابی فریب و تحریک: وزیر در سایه این فرآیند پادشاه را برای دادن دستور دیگر به کچل‌م‌سیاه

مجاب می‌کند:

«کچل مہ سیاه را بفرست شیر چهل مادیان را بیاورد. این کار برای کسی که در شکار اولش بتواند چنان جانوری شکار کند کار مشکلی نیست.»

۳. فرآیند مجاب‌سازی تحذیر: مادر با آگاه‌سازی کچل در مورد خطرات شکار شیر چهل مادیان سعی می‌کند او را متقاعد کند که به شکار نرود ولی موفق نمی‌شود:

«به شکار شیر چهل مادیان نرو! خیال دارند تو را به کشتن بدهند. چطور جرئت می‌کنی بگویی می‌خواهم بروم شیر چهل مادیان را بیارم؟»

۴. فرآیند مجاب‌سازی وعده: مادر که کچل را در انجام کنش مصّر می‌بیند وارد فرآیند تعاملی با او می‌شود و با ترفند وعده او را متقاعد می‌کند که از پادشاه تمهیداتی برای شکار بگیرد:

«برو به پادشاه بگو چهل مشک شراب به تو بدهد با چهل بار آهک و چهل بار پنبه. بعد برگرد پیش من تا راهش را نشانت بدهم.»

۵. فرآیند مجاب‌سازی رجزخوانی: وزیر برای اینکه دوباره از دادن پست وزارتش به کچل طفره برود سعی می‌کند دوباره با تحریک و رجزخوانی پادشاه را مجاب کند که کچل را به ماموریت بسیار مشکل دیگری بفرستد:

«اگر مرد است، برود دختر پادشاه فرنگ را بیاورد، آنگاه ما حاضریم پست وزارتمان را بدون چون و چرا به او واگذار کنیم.»

۶. فرآیند مجابی تهدید: در قسمت دیگری از روایت وقتی کچل دختر پادشاه فرنگ را با خود می‌آورد به قصر پادشاه می‌رود و با استفاده از عامل مجابی «تهدید» به او هشدار می‌دهد که باید قصر را ترک کند. در واقع در این مرحله از روایت، کنش‌گر به کنش‌گزاری تبدیل می‌شود که بجای القاء و مجاب از تجویز استفاده می‌کند:

«یا شکار اول و چهل مادیان را بده و جانم را وردار و به سلامت از شهر برو و همه چیز را به دست من بسپار؛ یا برای جنگ آماده شو.»

روایت کوراوغلو

در این روایت ما با کنش‌گزاری (حسن‌خان) مواجه هستیم که همواره در مقام و موقعیتی بالاتر از کنش‌گر قرار دارد. کنش‌گر اول مهتری است به نام علی کیشی که سالهاست در خدمت حسن‌خان است. روزی حسن‌پاشا، پادشاه توقات،

مهمان حسن‌خان می‌شود و از او دو کره اسب به عنوان هدیه می‌خواهد. حسن‌خان به علی کیشی دستور می‌دهد که گله را به چرا نبرد، اما علی کیشی گله را به چرا می‌فرستد و به تشخیص خود دو کره اسب به ظاهر لاغر و کوچک ولی از نژاد دریایی را برای حسن‌پاشا می‌آورد. وقتی کره‌ها مورد پسند حسن‌پاشا واقع نمی‌شوند. حسن‌خان با تحریک حسن‌پاشا دستور می‌دهد چشم‌های علی کیشی را کور کنند. از آن پس پسر علی کیشی، روشن، به عنوان کنش‌گر اصلی وارد جریان روایی-کنشی گفتمان می‌شود و برای انتقام پدر به پا می‌خیزد.

در واقع کنش‌گر در ابتداء روایت (سوژه حالتی) عامل شوشی است که از نقصان آزادی و عزت رنج می‌برد و برای رسیدن به ابژه ارزشی آزادی و رهایی وارد فرآیند کنشی-تقابلی می‌شود. کنش‌گر در کل داستان از کارکرد مقاومتی-ممارستی فرآیند مجاب‌سازی بهره می‌گیرد و در نهایت به هدفش می‌رسد. در راستای روایت ما با زنجیره‌های متفاوت کنشی مواجه هستیم. در تمام زنجیره‌ها تعاملات و گفتگوهای زیادی شکل می‌گیرد و از کارکردها و عوامل متعدد فرآیند مجاب‌سازی بهره گرفته می‌شود. در این روایت حماسی اجتماعی، چون رابطه قدرت مطرح است، گفتمان‌ها بیشتر تجویزی-تقابلی است تا القایی-مجابی. از بین فرآیندهای مجاب‌سازی هم عامل مجابی «تهدید» بیش از بقیه عوامل مجابی منجر به تحقق هدف شده است. در این قسمت، نمونه‌هایی از عوامل مجاب‌سازی همراه با دال و مدلول‌هایش ارائه شده است:

۱. فرآیند مجاب‌سازی تعریف و تمجید: حسن‌پاشا برای ترغیب حسن‌خان به دادن دو کره اسب خوب به او به عنوان هدیه، با استفاده از این عامل مجابی به مدح اسب‌های او می‌پردازد:

«حسن‌خان، شنیده‌ام که تو اسب‌های خیلی خوبی داری!»

۲. فرآیند مجابی رجزخوانی: حسن‌خان با استفاده از این عامل مجابی سعی در بزرگ‌نمایی خود دارد:

«اسب‌های مرا در این دور و بر هیچ کس ندارد!»

۳. فرآیند مجابی تعارف: حسن‌خان به حسن‌پاشا برای دادن اسب به عنوان هدیه تعارف می‌کند:

«اگر بخواهی یک جفت پیشکشت می‌کنم.»

۴. فرآیند مجاب‌سازی تحذیر: حسن‌خان به علی کیشی با استفاده از این عامل مجابی دستور می‌دهد که گله را به

چرا نبرد تا حسن پاشا خودش به‌عنوان هدیه از بین آنها انتخاب کند:

«امروز ایلخی را به چرا نبر! تا پاشا اسب‌های دلخواهش را انتخاب کند.»

۵. فرآیند مجاب‌سازی تحقیر: وقتی حسن پاشا کره‌ها را نمی‌پسندد شروع به تحقیر حسن‌خان و اسب‌هایش می‌کند:

«اسب‌های پیشکشی‌ات لابد همین‌ها هستند؟! اسب‌های خوبت که این‌ها باشد وای به حال بقیه!!»

۶. فرآیند مجاب‌سازی تحقیر و تهدید: حسن‌خان که از دست علی‌کیشی عصبانی است او را تهدید می‌کند:

«مردک، مگر نگفته بودم اسب‌ها را به چرا نبری؟»

۷. فرآیند مجابی اعتمادسازی: علی‌کیشی که خشم و عصبانیت خان را می‌بیند برای اطمینان خاطر دادن به او و تاکید بر درستی انتخابش، سابقه شغلی و تخصصش در این زمینه را گواه می‌آورد:

«خان به سلامت، خودت می‌دانی که من موی سرم را در ایلخی تو سفید کرده‌ام و اسب‌شناس ماهری هستم.»

۸. فرآیند مجاب‌سازی تحریک: حسن‌پاشا با استفاده از این عامل و با سوءاستفاده از خشم خان او را تحریک به مجازات علی‌کیشی می‌کند:

«اگر این قدر به ارزشمند بودن این کره‌های لاغر ایمان دارد، دستور بده با چشم‌هایش بهای آن را بپردازد.»

۹. فرآیند مجاب‌سازی عجز و لایه: علی‌کیشی سعی می‌کند با استفاده از عامل مجابی التماس و عجز و لایه حسن‌خان را متقاعد کند که چشم‌های او را کور نکند ولی مجاب‌سازی محقق نمی‌شود و چشم‌هایش از حدقه درآورده می‌شود:

«علی‌کیشی هر قدر ناله و التماس کرد که من تقصیری ندارم، به خرجش نرفت!»

۱۰. فرآیند مجاب‌سازی اتیک (شجاعت و پهلوانی): روشن، پسر علی‌کیشی، بعد از این اتفاق سعی می‌کند که پدر را متقاعد کند که انتقام او را از خان بگیرد ولی با مخالفت علی‌کیشی مجاب‌سازی محقق نمی‌گردد:

«من می‌خواهم انتقام تو و هزاران بی‌عدالتی و ظلم حسن‌خان را بگیرم.»

۱۱. فرآیند مجاب‌سازی تدبیر: علی‌کیشی با عامل مجابی تدبیر پسرش را متقاعد می‌کند که قبل از حمله و انتقام باید تمهیدات آن آماده گردد:

«او از روشن می‌خواهد طویله‌های بزرگ بسازد و داخل

آن آب و غذا برای مدت چهل روز قرار داده سپس کره‌ها را در آن محبوس کند به نحوی که نه آفتاب بر آنها بتابد و نه چشم کسی بر ایشان بیافتد.»

۱۲. فرآیند مجاب‌سازی چاپلوسی: در قسمتی از روایت خان بزرگ، خودکار، همراه با بزرگان در پی برنامه‌ریزی و حمله به روشن و کوراوغلو، هستند که از بین آنها حسن‌پاشا به دستور خان بزرگ برای نظردهی فراخوانده می‌شود و او هم با استفاده از عامل مجاب‌سازی چاپلوسی سعی در خودشیرینی دارد:

«من سگ کی باشم که مقابل سایه خدا لب از لب باز کنم اما اکنون که امر مبارک خودکار بر این است که من کمتر از سگ هم حرفی بزنم، امر خودکار فرمان خداوند است و باید اطاعت کنم.»

۱۳. فرآیند مجاب‌سازی هشدار: خان بزرگ به تمام افراد قشون تذکر می‌دهد که از حسن‌پاشا اطاعت کنند.

«آگاه باشید که از این ساعت به بعد حسن پاشا فرمانده کل قشون است و اختیار تام دارد.»

روایت ۲۴ ساعت در خواب و بیداری

داستان ۲۴ ساعت در خواب و بیداری درباره‌ی پسر بچه‌ای به نام لطیف است که به همراه پدرش برای کار به تهران آمده‌اند و با دست‌فروشی و خیابان‌خوابی روزگار می‌گذرانند.

در واقع، کنش‌گران روایت با نقصان فقر و فلاکت مواجه هستند. کنش‌گر اصلی روایت، لطیف، که در درون خود دچار تنش و شوش حسرت و رنج است برای عبور از این حالت و تغییر شرایط حاکم به دنیای خیال پناه می‌برد. او هر روز عروسک شتری را از پشت ویتترین یک مغازه اسباب‌بازی‌فروشی تماشا می‌کند و آرزوی تصاحب آن را در سر می‌پروراند. او به تدریج در عالم خیال خود با شتر وارد

گفتمان تعاملی و گفتگو می‌شود. در پایان داستان، مرد پولداری شتر را برای دخترش می‌خرد. لطیف با دیدن این صحنه در میان اشک و خون و حسرت بدنبال ماشینی که شتر را خریده‌اند می‌دود، ولی در نهایت درمانده و بی‌نتیجه و سرخورده به جلو ویتترین همان اسباب‌بازی‌فروشی برمی‌گردد و این بار آرزو می‌کند مسلسل پشت ویتترین مال او باشد.

دیالوگ‌های گفتمانی زیادی در طول روایت مابین کنش‌گر و شخصیت‌های دنیای خیالیش و نیز با دوستان دوره‌گردش اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از عوامل متعدد مجاب‌سازی استخراج‌شده از روایت در قسمت ذیل ارائه شده است.

نرسیده می‌ریزد و باغبان از این داستان بسیار عصبانی است. در این داستان، راوی خود درخت هلو است که سرگذشت خود را از هسته‌گی تا درختی تعریف می‌کند. او را برای اولین بار کنش‌گر اصلی داستان، صاحبعلی، از مغز هلوئی که می‌خورد به دست می‌آورد، ولی هسته هلو را دور نمی‌اندازد. او که از نقصان فقر رنج می‌برد هسته را می‌کارد و با خطرات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند تا هلو رشد کرده و به درختی بزرگ تبدیل شود. در نهایت هم وقتی برای آوردن کود برای درخت به تپه مارها رفته بود، توسط ماری گزیده شده و می‌میرد. بنابراین، هلو تصمیم می‌گیرد که هرگز اجازه ندهد باغبان ظالم صاحب او شود و از هلوهایش متنفع گردد.

فرآیندهای مجاب‌سازی در روایت یک هلو هزار هلو

۱. فرآیند مجاب‌سازی فریب: باغبان برای ترساندن درخت هلو که میوه نمی‌داد تظاهر به قطع کردنش می‌کند:

«رفت ازّه‌ای آورد و زنش را هم صدا کرد و جلو درخت هلوی کوچکتر شروع کرد به تیز کردن دندانهای ازّه.»

۲. فرآیند مجاب‌سازی تهدید: برای اینکه درخت هلو میوه دهد و شکوفه‌هایش را میوه نشده نریزد باغبان از عامل مجابی تهدید استفاده می‌کند:

«همین حالا تو را از بیخ و بن ازّه می‌کنم و دور می‌اندازم تا تو باشی دیگر هلوهایت را نریزی.»

۳. فرآیند مجاب‌سازی قسم: زن باغبان برای اینکه بتواند باغبان را متقاعد کند که درخت را نبرد از سوگند استفاده می‌کند: «مرگ من دست نگه‌دار!»

۴. فرآیند مجاب‌سازی تحریک و وسوسه: صاحبعلی با بهره‌گیری از این عامل مجابی پولاد را برای شنیدن حرف‌هایش ذوق‌زده می‌کند:

«می‌خواهی صاحب یک درخت هلو بشوی؟!»

۵. فرآیند مجاب‌سازی وعده: زن باغبان با این عامل مجابی باغبان را متقاعد می‌کند که بریدن درخت را به سال بعد محول بکند:

«من به تو قول می‌دهم که از سال آینده هلوهایش را نگاه دارد و بزرگ کند. اگر باز هم تنبلی کرد آن‌وقت دوتایی سرش را می‌بریم و می‌اندازیم توی تنور که بسوزد و خاکستر شود.»

۶. فرآیند مجاب‌سازی تمجید و تحریک: مادر هلو درخت هلو را با این عامل مجابی متقاعد می‌کند که خودش را زیر درختان بزرگتر پنهان نکند:

«مادرم می‌گفت: دختر خوشگلکم، خودت را از آفتاب نندزد.

فرآیندهای مجاب‌سازی در روایت ۲۴ ساعت در خواب و بیداری:

۱. فرآیند مجاب‌سازی تحذیر: لطیف برای اینکه محمود، کودک دوره‌گرد، را مجاب کند واقعیت را بگوید از این عامل مجابی استفاده می‌کند:

«اگر دزد نیستی پس بگو کفش‌ها را کی برایت خریده؟»
۲. فرآیند مجاب‌سازی تحذیر: محمود و چشم‌کوره لطیف را که خیال دعوا دارد با این گفته از این کار منع می‌کنند:

«ما امشب خیال دعوا نداریم. اگر شما دل‌تان دعوا می‌خواهد بگذاریم برای فردا شب.»

۳. فرآیند مجاب‌سازی تحریک: محمود احمدحسین را با این حرف تحریک به واکنش می‌کند:

«چرا و ایستادی نگاه می‌کنی؟ کفش نو نمی‌خواهی؟ د بیا بگیر!»

۴. فرآیند مجاب‌سازی پیشنهاد: محمود به بقیه بچه‌ها برای بازی پیشنهاد می‌دهد:

«می‌آیید شش نفره تاس بازی کنیم؟!»

۵. فرآیند مجاب‌سازی توهین و تحقیر: وقتی ماشین پیرزن پیر با لطیف برخورد می‌کند و لطیف به زمین می‌خورد. پیرزن با استفاده از این عامل گفتمانی سعی می‌کند او را مجاب کند که از جلو ماشین دور شود:

«د گم شو از جلو ماشین! مجسمه که نیستی. مگر کبری بچه؟ گم شو از جلو ماشین!»

۶. فرآیند مجاب‌سازی عجز و لابه (التماس): احمدحسین از این شیوه برای مجاب کردن مردم به دادن پول به او استفاده می‌کند:

«یک قران... آقا یک قران بده... ترا خدا!»

۷. فرآیند مجاب‌سازی رشوه: وقتی لطیف پایبچ پدر دختر بچه شد که شتر را نخرد، پدر او برای اینکه لطیف از جلو در مغازه کنار برود به او پول پیشنهاد می‌کند:

«پدر یک سکه‌ی دوزاری به طرف من دراز کرد.»

۸. فرآیند مجاب‌سازی رجزخوانی: لطیف خطاب به کارگرانی که سعی داشتند شتر را در صندوق ماشین خریدار بگذارند از این عامل مجابی استفاده می‌کند:

«پای شتر را گرفتم و داد زدم شتر مال من است. کجا می‌بریدی؟ من نمی‌گذارم.»

روایت یک هلو هزار هلو

این داستان روایت درخت هلوئی است که میوه‌های خود را

«تحدیر» با بسامد ۱۱ بیشترین و «اعتمادسازی»، مظلوم‌نمایی و نفرین» با بسامد ۱ کمترین میزان وقوع را دارند. در روایت کچل مم‌سیاه «تحریک و وعده» با بسامد ۷ بیشترین و «تهدید و رجزخوانی» با بسامد ۲ کمترین میزان وقوع را دارند. در روایت کوراولغو «تهدید و رجزخوانی» و «استدلال، چاپلوسی و تدبیر» با بسامد ۶ و ۱ بترتیب بالاترین و پایین‌ترین بسامد را دارند. در روایت ۲۴ ساعت در خواب و بیداری «تحریک» با بسامد ۳ بیشترین و «رجزخوانی، پیشنهاد، رشوه و هشدار» هر کدام با بسامد ۱ کمترین میزان وقوع را دارند. در روایت یک هلو هزار هلو «تعریف و تمجید» با بسامد ۲ و «فرب و قسم» با بسامد ۱ بیشترین و کمترین بسامد را دارند.

در مجموع ۱۴۵ فرآیند مجاب‌سازی در پنج روایت بررسی شده، مشاهده شد که به تفکیک روایت‌ها به شرح جدول شماره ۱ هستند (علامت + نشان دهنده موفق بودن مجاب‌سازی و علامت - نشان‌دهنده عدم موفقیت در مجاب‌سازی می‌باشد).

خورشید دوست ماست. زمین به ما غذا می‌دهد و خورشید آن را می‌پزد. به علاوه، خوشگلی تو از خورشید است.»

۷. فرآیند مجاب‌سازی رجزخوانی: صاحبعلی به پولاد می‌گفت که اگر باغبان درخت هلوی ما را برداشته باشد باغش را به آتش می‌کشیم:

«بی‌غیرتیم اگر نزنیم، بچه‌ی پدرمان نیستیم اگر آتش نزنیم!»
۸. فرآیند مجاب‌سازی تعارف: در این قسمت از روایت وقتی صاحبعلی هلو را برای خوردن به پولاد می‌دهد شاهد عامل مجابی تعارف هستیم:

«صاحبعلی من را داد به پولاد و گفت: یک گاز بزن.»

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع در روایت ماهی سیاه کوچولو ۵۲ مجاب‌سازی، در روایت کچل مم‌سیاه ۲۸ مجاب‌سازی، در روایت کوراولغو ۳۹ فرآیند مجاب‌سازی، در روایت ۲۴ ساعت در خواب و بیداری ۱۳ نوع مجاب‌سازی و در روایت یک هلو هزار هلو هم تعداد ۱۳ نوع مجاب‌سازی وجود دارد. در روایت ماهی سیاه کوچولو

جدول ۱. بسامد و درصد انواع مجاب‌سازی به تفکیک روایت

روایت	هشدار	تعریف و تمجید	پیشنهاد	تحریک	رجزخوانی	فرب	مظلوم‌نمایی	وعده	تهدید	تحدیر	تخفیر و ترهین	اعتمادسازی
کوراولغو	+۳	-۱	-	+۲	+۵	-	-	+۱	+۷	-۲	+۲	+۱
۲۴ ساعت در خواب و بیداری	+۱	-	+۱	-۳	-۱	-	-	-	+۱	+۱	+۲	-
کچل مم سیاه	-	-	-	+۷	+۲	-	-	-۶	+۲	+۳	-	-
یک هلو هزار هلو	-	+۲	-	-۱	-۱	-۱	-	+۲	-۲	-	-	+۱
ماهی سیاه کوچولو	-۱	-۱	+۲	-۲	-۲	-۱	-۱	+۱	+۱	+۲	+۱	-۱
جمع به تفکیک	+۴	-۲	+۳	+۸	+۷	+۲	-۱	+۵	+۱۱	+۶	+۵	+۲
جمع کل	۵	۶	۳	۱۴	۱۱	۴	۱	۱۲	۱۶	۱۸	۸	۴
درصد	% ۳/۴	% ۴/۱	% ۲	% ۷/۶	% ۹/۷	% ۲/۸	% ۰/۷	% ۸/۳	% ۱۱/۱	% ۱۲/۵	% ۵/۶	% ۲/۸

ادامه جدول ۱. بسامد و درصد انواع مجاب سازی به تفکیک روایت

نفرین	چاپلوسی	تعارف	تشویق	تاکید	تذییر	امیدبخشی	اینگ	ایجاد تردید	استدلال	عجز و لایه	رشوه	
-	+۱	-	+۵	-	+۱	-	+۲	-	+۱	+۱ -۱	-	کوروغلو
=	=	=	=	=	=	=	=	=	=	-۲	-۱	۲۴ ساعت در خواب و بیداری
=	=	=	+۴	=	=	=	=	=	=	=	=	کچل مم سیاه
=	=	+۱	=	=	=	=	=	=	-۱	=	=	یک هلو هزار هلو
-۱	-	-	-	+۱	+۲	-۲	-	-۱	+۴ -۷	-۲	-	ماهی سیاه کوچولو
-۱	+۱	+۱	+۹	+۱	+۳	-۲	+۲	-۱	+۵ -۸	-۵+۱	-۱	جمع به تفکیک
۱	۱	۱	۹	۱	۳	۲	۲	۱	۱۳	۶	۱	جمع کل
% ۱/۷	% ۱/۷	% ۱/۷	% ۶/۲	% ۱/۷	% ۲	% ۱/۴	% ۱/۴	% ۱/۷	% ۸/۵	% ۴/۱	% ۱/۷	درصد

فرآیندهای مجابی مثل چاپلوسی، فریب، رشوه، نفرین و نظایر آن از جایگاه ضعیف‌تر و بسامد پایین‌تری نسبت به تهدید و تحذیر برخوردارند که واقع‌گرایانه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر هستند. در مجموع، حدود ۲۴ درصد (حدود یک چهارم کل) مجاب‌سازی‌ها از نوع سبک تحذیر و تهدید بوده‌است، که نشان می‌دهد به نوعی برحذر داشتن و ترساندن از عواقب کار، سبک غالب روایت‌های عامیانه آذربایجانی است. حال باید دید در مجموع چه تعداد از این عوامل مجاب‌سازی موفق به مجاب کردن مخاطب شده‌اند. جدول شماره ۲ میزان موفقیت این فرایندها را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جداول بالا مشاهده می‌شود، ۲۴ نوع مجاب‌سازی از پنج روایت عامیانه آذربایجانی استخراج شد. برخی از این انواع تنها در یک مورد مشاهده شدند مانند رشوه، ایجاد تردید، تعارف، چاپلوسی، نفرین، تاکید و مظلوم‌نمایی. اما برخی به مراتب بسامد بالاتری داشته‌اند. به ترتیب تحذیر، تهدید، تحریک، استدلال، وعده و رجزخوانی بالاترین بسامدها را داشته‌اند. با توجه به تاریخچه بسیار سخت، پر از تجاوز، جنگ، قحطی و خشکسالی منطقه آذربایجان به‌نظر می‌رسد روحیه مبارزه‌گری، مقاومت، اجبار، تحکم و قدرت‌نمایی در فرهنگ و افراد نهادینه شده است. به همین دلیل، راهبردها و

جدول ۲. میزان موفقیت مجاب‌سازی‌ها به تفکیک روایت‌ها

داستان‌ها	موفقیت	عدم موفقیت
کوروغلو	۳۳	۶
۲۴ ساعت در خواب و بیداری	۶	۷
کچل مم سیاه	۱۹	۹
یک هلو هزار هلو	۷	۶
ماهی سیاه کوچولو	۱۴	۳۸
مجموع	۷۹	۶۶
درصد	% ۵۴/۵	% ۴۵/۵

مقاومتی-ممارستی کنش‌گر اصلی راه را بر تاثیر عوامل مجاب‌سازی و متقاعدسازی بسیار محدود می‌کند. او سعی می‌کند برای تحقق هدف و تصاحب ابژه ارزشی مجاب به تغییر هدفش نشود. در روایت‌های ۲۴ ساعت در خواب

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میزان عدم موفقیت عوامل مجاب‌سازی ماهی سیاه کوچولو به دلیل شخصیت اجتماعی مصرّ، کنجکاو و هدف‌دار کنش‌گر اصلی به‌طور معناداری بالاتر از موفقیت آن است. در اینجا روحیه

موفقیت شده‌است. در حالیکه مجاب‌سازی به سبک تحذیر تنها در ۳۳ درصد موارد موفقیت داشته‌است. در نهایت، نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگری که بنوعی به فرآیند مجابی پرداخته‌اند مورد مقایسه و بررسی قرار گرفت. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به نقابی و پورآسیاب (۱۳۹۷) اشاره کرد که بیان می‌کنند «در افسانه‌های عامیانه آذربایجان، بی‌ارادگی انسان در مقابل تقدیر چنان است که گویی تقدیر ریشه‌علی همه حوادث به شمار می‌رود». این نتیجه‌گیری کاملاً موافق یافته‌های مقاله حاضر نیست، زیرا تلاش برای متقاعد کردن دیگر شخصیت‌ها به معنی تسلیم نشدن در مقابل تقدیر است. همچنین در این پژوهش، نزدیک به نیمی از موارد مجاب‌سازی با عدم موفقیت مواجه شدند که خود هر گونه ظنی مبنی بر بی‌ارادگی در افسانه‌های عامیانه آذربایجان را منتفی می‌کند.

وبیداری و یک هلو هزار هلو تفاوت چشم‌گیری بین توانایی مجاب‌سازی و عدم آن وجود ندارد. این در حالی است که برعکس روایت ماهی‌سیاه کوچولو، در دو روایت کوراوغلو و کچل مرم‌سیاه میزان موفقیت در مجاب‌سازی به طور معناداری بالاتر از عدم موفقیت آن است. به نظر می‌رسد در بافت اجتماعی که عامل قدرت و برتری موقعیتی مطرح باشد بالا بودن میزان مجاب‌سازی مثل این دو روایت بسیار تاثیرگذار و محرز است. در مجموع بیش از نیمی از این عوامل منجر به موفقیت در مجاب‌سازی شده‌اند. اما نمی‌توان حدود ۴۵ درصد عدم موفقیت در مجاب‌سازی را نادیده گرفت. راهبردهاست که به نوع خود نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. به طوری که تحذیر و تهدید بالاترین تعداد کاربرد را در مقابل سایر روش‌ها داشته‌اند، اما میزان موفقیت آن‌ها در مجاب‌سازی به یک اندازه نبوده است. مجاب‌سازی به سبک تهدید در ۶۹ درصد موارد منجر به

منابع

ثواب، فاطمه؛ محمودی، محمدعلی؛ زهرازاده، محمد (۱۳۹۴). «ساختار روایت خسرو و شیرین نظامی». *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، شماره ۲۴، صص ۳۷-۵۸.

جهانی، پروین (۱۳۸۸). *بررسی روایی داستان داش‌آکل: رویکرد نشانه-معناشناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

جهانگیرمیرزا حسابی، جعفر؛ عباسی، علی (۱۳۸۶). «کارکرد روایت در یک هلو و هزار هلو». *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۵۵، صص ۱-۱۴.

دهقانی، ناهید (۱۳۹۰). «بررسی ساختار روایی حکایت‌های کشف‌المحجوب هجویری بر اساس الگوی نشانه‌شناسی روایی گرمس». *متن‌پژوهی ادبی*، شماره ۴۸، صص ۹-۳۲.

دهقان، علی؛ امیری، وحید (۱۳۹۴). «بررسی عناصر روایت داستانی ۲۴ ساعت خواب و بیداری صمد بهرنگی». *فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*، ش ۲۳، صص ۷۹-۱۰۶.

دادبود، فاطمه؛ بشیرنژاد، حسن و شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۹). «تحلیل نشانه-معناشناسی فرآیند داستان‌سرایی هزار و یک شب از نظام تقابل تا تطابق». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ش ۶۸، صص ۸۹-۱۱۰.

رسمی، سکینه؛ رسمی، عاتکه (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی

احمدی ملکی، رحمان (۱۳۷۶). «قهرمانان حماسه‌ی کوراوغلو». *ادبیات داستانی*، ش ۴۲، صص ۶۴-۷۳.

اطهاری نیک عزم، مرضیه (۱۳۹۳). «تحلیل زمان و شاخص‌های زمانی در ضرب‌المثل‌ها با رویکرد نشانه‌معناشناسی، مورد مطالعه: زبان فارسی». *جستارهای زبانی*، ش ۱۹، صص ۱-۲۵.

بهنام، مینا (۱۳۹۰). «بررسی تعامل دو نظام روایی و گفتمانی در داستان رستم و اسفندیار در چارچوب رویکرد نشانه‌معناشناسی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ش ۲، صص ۱-۲۶.

پارسا، سیداحمد؛ رحیمی، منصور (۱۳۹۶). «بررسی نشانه-معناشناختی داستان لیلی و مجنون جامی بر پایه تحلیل گفتمان». *فنون ادبی*، سال نهم، شماره یک، صص ۱۸-۱.

پراندوجی، نعیمه؛ نصیحت، ناهید (۱۳۹۷). «نشانه-معناشناسی فرآیند تنش در ایمان آوردن ملکه‌ی سبا». *جستارهای زبانی*، ش ۴۵، صص ۳۵-۶۱.

تولان، مایکل (۱۳۸۶). *روایت‌شناسی، درآمدی زبان‌شناختی-انتقادی*. فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، مترجم. تهران: انتشارات سمت.

توحیدلو، یگانه؛ شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۶). «مطالعه پروتوسازی گفتمانی: چرا دروغ روایی پروتز است؟». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره بیست‌ودوم، شماره ۱، صص ۲۶۹-۲۸۶.

است». مجله: فرهنگ و ادبیات عامه.
 کنعانی، ابراهیم (۱۳۹۸). «تحلیل نشانه - معناشناختی کارکرد
 گفتمانی مقاومت اسطوره‌ای در داستان سیاوش». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. ش ۵۶.
 صص. ۲۴۷ - ۲۸۰.
 مقدم، علیرضا؛ کریمی، محمدحسن؛ صحراگرد رحمان و
 شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان انتقادی
 داستان «ماهی سیاه کوچولو» صمد بهرنگی. *مجله:
 پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۵۴.
 نقابی، عفت؛ پورآسیاب دیزج، طاهره (۱۳۹۷). «بررسی
 طرح‌شناختی افسانه‌های عامیانهٔ آذربایجان». *دو ماهنامه
 فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۶، شماره ۲۲.
 ولی‌پور، عبدالله؛ همتی، رقیه (۱۳۹۶). «در جست‌وجوی کمال
 مطلوب؛ بررسی تطبیقی ماهی سیاه کوچولو». نوشته‌ی
 صمد بهرنگی باجانانان مرغ دریایی اثر ریچارد باخ». *مطالعات ادبیات کودک*. ش ۱۶. صص. ۱۶۱ - ۱۷۸.
 هاشمی، الهام؛ صلاحی مقدم، سهیلا و کریمی مطهر، جان‌اله
 (۱۳۹۹). «گفتمان تنهایی در غزلیات شمس‌الدین محمد
 حافظ شیرازی و اشعار آفاناسی یویچ فت با رویکرد نشانه-
 معناشناسی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی
 و مطالعات فرهنگی. ش ۱. صص ۳۰۷ - ۳۳۵.
 عبدالله‌زاده برزو، راحله؛ ریحانی، محمد (۱۳۹۸). «نقد کهن
 الگویی سفر قهرمان در داستان ماهی سیاه کوچولو بر
 اساس نظریه‌ی کمپبل و پیرسن». *مطالعات ادبیات
 کودک*. ش ۱۹. صص. ۱۰۲ - ۱۲۲.
 عباسی، علی (۱۳۸۰). *صمد روایت یک اسطوره*. تهران: نشر
 چیستا.

_____ (۱۳۹۱). کارکرد نحو روایی در تئاتر لوران‌اسیو
 اثر موسه. *همایش ملی نقد ادبی*، دانشگاه شهید بهشتی.
 _____ (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی کاربردی: تحلیل
 زبانشناختی روایت (تحلیل کاربردی بر موقعیت‌های
 روایی، عنصر پیرنگ و نحو روایی در روایت‌ها)*. تهران،
 انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

Fontanille, J. (2004). *Séma et soma. Les figures du corps*. Paris: Maisonneuve et Larose.

نقش اسطوره‌ای «آب» در داستان کوراوغلو با شاهنامهٔ
 فردوسی و روایت‌ها شفاهی آن». *کهن‌نامه ادب پارسی*.
 ش ۲۰. صص ۵۱ - ۷۷.
 سجادی‌نسب، آزاده؛ قویمی، مهوش (۱۳۹۷). تحلیل روایی قصه
 سیندرلا اثر شارل پرو بر اساس نظام گفتمانی ابر
 شمایی، نشریه: *روایت‌شناسی*.
 شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). *مبانی معناشناسی نوین*. چاپ
 نخست. تهران: انتشارات سمت.
 _____ (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی
 گفتمان*. تهران: انتشارات سمت
 _____ (۱۳۹۲). *نشانه-معناشناسی دیداری*. تهران:
 انتشارات سخن.
 _____ (۱۳۹۵). *نشانه-معناسی ادبیات: نظریه و
 روش تحلیل گفتمان ادبی*. تهران: انتشارات دانشگاه.
 _____ (۱۳۹۸). *تجزیه و تحلیل نشانه-
 معناشناسی گفتمان*. تهران: انتشارات سمت.
 شعیری، حمیدرضا؛ وفایی، ترانه (۱۳۸۸). *راهی به نشانه-
 معناشناسی سیال: با بررسی موردی «ققنوس» نیمه*.
 تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 شفیعی، سمیرا؛ قبادی، حسینعلی و شعیری، حمیدرضا
 (۱۳۹۵). «تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان روایی
 ضحاک و فریدون بر اساس نظریه‌ی گرمس». *دوفصلنامه ادبیات حماسی*. ش ۵. صص. ۹۹ - ۱۲۹.
 شیرینی، قهرمان؛ نظری، نجمه و بهرامی‌پور، نوشین (۱۳۹۷).
 «تحلیل کارکرد گفتمانی طنز در باب اول گلستان
 سعدی؛ رویکرد نشانه-معناشناسی». *جستارهای زبانی*.
 ش ۴۳. صص. ۸۱ - ۱۱۱.
 فلاح، ابراهیم؛ شفیعی‌پور، سجاد (۱۳۹۸). «تحلیل روایت
 موسی و سامری بر پایه‌ی نشانه-معناشناسی گفتمانی». *جستارهای زبانی*. ش ۴۹. صص. ۲۵ - ۵۰.
 فخری، آزاده (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی حماسه کوراوغلو در
 اقوام آذربایجان، ترکیه و ترکمن». *فصلنامه فرهنگ
 مردم/ایران*. شماره ۴۷. صص ۲۷ - ۴۹.
 کرباسی، زهرا؛ شعیری، حمیدرضا و لطافتی، رویاء (۱۳۹۶).
 تحلیل نشانه معناشناختی تحقق سره و ناسره در گفتمان
 ادبی: مطالعه موردی داستان عامیانه «سزای نیکی بدی



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)